از شهر

کوچه‌هایی که از کودکی خالی شدند

سینا لطف‌پور، فعال حوزه شهری: در شهرهای قدیم ایران، محله فقط یک بخش کالبدی از شهر نبود؛ روحی زنده بود که ساکنانش را در پیوندی نانوشته به هم متصل می‌کرد. کوچه‌های باریک، پیچ‌درپیچ و سایه‌دار، صرفا مسیر عبور نبودند، بلکه امتدادی از خانه و خانواده محسوب می‌شدند. در این بافت‌های ارگانیک، معابر فرعی محله‌ها قلمروهایی نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی بودند؛ فضایی بین خانه و شهر که در آن روابط انسانی جریان داشت، کودکان بازی می‌کردند و همسایگان از پشت درهای نیمه‌باز با یکدیگر احوال‌پرسی می‌کردند.

در چنین ساختاری، عبور غریبه از کوچه پدیده‌ای نادر بود. هیچ مانع فیزیکی در ورودی محله وجود نداشت، اما ذهن و حافظه جمعی ساکنان مرزهایی نامرئی میان «خودی» و «غریبه» ترسیم می‌کرد. این درون‌گرایی فضایی، محله را از تهاجم بیرونی مصون می‌داشت و هم‌زمان به شکل‌گیری نظارت اجتماعی غیررسمی و امنیت محلی کمک می‌کرد. هرکس در محله دیده می‌شد، شناخت بود؛ هر صدایی آشنا بود و هر حرکت تازه‌ای جلب توجه می‌کرد. این همان نظمی بود که کودکان در سایه آن بی‌هراس بازی می‌کردند و والدین نیز آسوده‌خاطر بودند.

کوچه در این الگو، فقط یک مسیر نبود؛ صحنه‌ای از زندگی جمعی بود. کودکان در آن مهارت‌های ارتباطی می‌آموختند، روابط دوستی شکل می‌گرفت، بدن‌ها در جنب‌وجوش طبیعی پرورش می‌یافت و حس تعلق به اجتماع تقویت می‌شد. بازی در کوچه، نه‌تنها جای خالی ورزش و تحرک امروز را پر می‌کرد، بلکه در ساخت شخصیت اجتماعی کودک نیز سهمی انکارناپذیر داشت. کوچه‌های درون‌محله‌ای، به دلیل بسته‌بودن ترافیکی و حضور دائمی بزرگ‌ترها، امن‌ترین محیط برای تجربه نخستین مواجهه‌های اجتماعی بودند.

اما در زندگی شهرنشینی امروز، این قلمروهای اجتماعی یکی پس از دیگری در حال فروریختن‌اند. شهر خودرومحور، با منطق خود که همه‌چیز را در خدمت سرعت و سهولت عبور تعریف می‌کند، به درون محلات نفوذ کرده است. کوچه‌هایی که روزی امتداد خانه بودند، حالا به مسیرهای میان‌بُر خودروها بدل شده‌اند؛ مسیری که نرم‌افزارهای مسیریاب، بی‌توجه به هویت محله و ساکنانش، برای کوتاه‌ترکردن چند دقیقه مسیر، پیشنهاد می‌کنند.

کافی است صبح یا عصر در یکی از محله‌های قدیمی شهرهای ما قدم بزنید تا ببینید چگونه صدای بوق خودروها جای خنده کودکان را گرفته است. نرم‌افزارهایی مانند «ویز» یا «نشان» که هدف‌شان یافتن سریع‌ترین مسیر است، هیچ درکی از تفاوت میان کوچه مسکونی و خیابان شریانی ندارند. برای الگوریتم، کوچه فقط یک خط در نقشه است که می‌تواند یا نمی‌تواند عبور خودرو را ممکن کند. اما برای ساکنان، همان کوچه بخشی از زندگی و خاطره است.

این تضاد میان منطق انسانی و منطق فناورانه، یکی از چالش‌های پنهان اما جدی شهر امروز ماست. در حالی که در نظریه‌های نوین شهرسازی، از شهر «انسان‌محور» و «چنددقیقه‌ای» سخن گفته می‌شود، واقعیت میدانی شهرهای ما به سمت حذف تدریجی قلمروهای انسانی پیش می‌رود. نرم‌افزارها و خودروها، بدون اینکه قصدی داشته باشند، در حال بازتعریف مرزهای اجتماعی محلات‌اند. نتیجه آن است که حس تعلق، امنیت و همبستگی محلی تضعیف می‌شود. کودکان دیگر کوچه را به عنوان فضای بازی نمی‌شناسند، والدین اجازه حضور آزادانه در فضاهای بیرون از خانه را نمی‌دهند و روابط همسایگی نیز به حداقل ممکن تقلیل یافته است. در واقع، «فضای جمعی» محله جای خود را به «مسیر عبوری» داده است. این تغییر فقط مسئله‌ای احساسی یا نوستالژیک نیست؛ پیامدهای اجتماعی و روانی عمیقی دارد. تحقیقات متعددی در شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری نشان داده‌اند که هرچه قلمروهای مشترک محلی کاهش یابند، میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت محله‌ای نیز کمتر می‌شود. کودکان در محیط‌های بسته‌تر بزرگ می‌شوند، مهارت‌های ارتباطی‌شان کاهش می‌یابد و تجربه زیستن در اجتماع را از دست می‌دهند. آنچه در گذشته به صورت طبیعی در کوچه و محله آموخته می‌شد، امروز باید در قالب کارگاه‌های آموزشی یا برنامه‌های مدرسه‌ای بازسازی شود؛ امری که به‌سادگی جایگزین آن زیست واقعی نخواهد شد. مسئله اصلی این است که در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری امروز، ارزش اجتماعی فضا هنوز به‌اندازه کارکرد فیزیکی آن سنجیده نمی‌شود. نرم‌افزارها و زیرساخت‌ها در خدمت خودرو طراحی شده‌اند، نه در خدمت زندگی. هیچ الگوریتمی در محاسبات مسیریاب، مفهوم «قلمرو اجتماعی»، «هویت محله» یا «بازی کودک» را لحاظ نمی‌کند. کوچه فقط یک مسیر است، نه بخشی از حافظه جمعی.

اگر قرار است شهرهای ما دوباره زیست‌پذیر شوند، باید مفهوم قلمرو انسانی را به رسمیت بشناسیم؛ باید حق کودکان برای بازی در فضای محله را احیا کنیم و کوچه را از تسلط عبور خودروها بیرون بکشیم. شهر فقط شبکه‌ای از راه‌ها نیست؛ شبکه‌ای از روابط است و آنجا که رابطه از میان می‌رود، شهر نیز به‌تدریج از درون تهی می‌شود.

نتایج یک بررسی درباره مصرف مواد مخدر از تجارت جهانی تریاک تا استفاده در میان کارگران ایرانی حکایت دارد

مصرف بالای مخدرها در کارگران و رانندگان

محمد بینازاده، پژوهشگر اعتیاد: پرسش «چه کسی از مصرف مواد مخدر سود می‌برد»؟ راهی برای دیدن اعتیاد از زاویه‌ای تازه است؛ نه به‌مثابه انحراف فردی، بلکه به‌عنوان بخشی از سازوکار تاریخی انباشت سرمایه و ساختار قدرت. این نوشتار بر آن است که نشان دهد از قرن نوزدهم تا امروز، رابطه‌ای پایدار میان مصرف مواد، کار و سرمایه‌داری وجود داشته است؛ از تجارت جهانی تریاک به دست بریتانیا تا استفاده از مواد در میان کارگران ایرانی معاصر. با بررسی هم‌زمان تاریخ و اکنون، می‌توان دید که چگونه بدن‌های معتاد در هر دو دوره، هم ابزار تولید بوده‌اند و هم موضوع کنترل. در ایران، تریاک نه‌فقط ماده‌ای مخدر، بلکه سوخت اصلی مدرنیته اقتصادی و اداری در دوره قاجار و پهلوی اول بود. مقاله حاضر با رویکرد اقتصاد سیاسی، پیوند میان اعتیاد، کار، توسعه و دولت را واکاوی می‌کند و نشان می‌دهد که بدون درک این پیوند، هیچ سیاست مؤثری برای مقابله با اعتیاد ممکن نیست.

عکس: ابوالفضل عرب جوادی/میزان

معمولا به اعتیاد در چارچوبی فردی و زیستی نگریسته می‌شود؛ نوعی بیماری یا اختلال رفتاری که باید درمان شود. اما وقتی پرسش را عوض کنیم و بپرسیم «چه کسانی از اعتیاد سود می‌برند؟» ناگهان چشم‌انداز تغییر می‌کند. از این زاویه دید، اعتیاد نه یک «مشکل شخصی»، بلکه پدیده‌ای ساختاری و اجتماعی است؛ بخشی از شبکه‌ای از منافع که اقتصاد، دولت، درمان و رسانه را به هم پیوند می‌دهد.

این نوشتار بر آن است تا اعتیاد را از دیدگاه اقتصاد سیاسی و تاریخی تحلیل کند. به‌جای تمرکز بر ژن، مغز یا اراده فرد، در اینجا رابطه میان کار، سرمایه و بدن معتاد بررسی می‌شود. ابتدا به زنجیره منافع حاصل از مصرف مواد می‌پردازیم، سپس وضعیت نیروی کار ایران را تحلیل می‌کنیم و در ادامه، با رجوع به تاریخ تجارت تریاک در قرن نوزدهم و نقش آن در شکل‌گیری مدرنیته ایرانی، پیوند میان اعتیاد و توسعه را روشن می‌کنیم.

اقتصاد سیاسی مصرف مواد مخدر

در اقتصاد مدرن، هیچ پدیده‌ای خارج از منطق ارزش نیست. حتی مصرف مواد که ظاهرا به تخریب بدن و نیروی کار می‌انجامد، می‌تواند درون همین منطق کار کند. از نگاه اقتصاد سیاسی، زنجیره بازیگران گوناگون از اعتیاد منتفع هستند:

- کارفرمایان: در مشاغل سخت و فصلی، مواد به ابزاری برای افزایش تحمل و بهره‌وری کارگر تبدیل می‌شود.
- بازار غیررسمی: تجارت مواد در ایران و جهان، بخش پنهان اما سودآور اقتصاد است.
- نظام درمان و بازتوانی: صنعت ترک اعتیاد، کمپ‌ها و داروهای جانشین، خود به بازار جدیدی از سود تبدیل شده‌اند.
- رسانه‌ها: بازنمایی بدن معتاد به‌عنوان «دیگری نابهنجار»، سرمایه فرهنگی و تبلیغاتی تولید می‌کند که از منظری اجتماعی می‌توان بخش اعظمی از نابسامانی‌ها و ناکارآمدی‌های جامعه و کشور را به گردن آن انداخت.

در نتیجه، اعتیاد در سطح اجتماعی به ابزاری برای حفظ نظم موجود بدل می‌شود؛ از یک سو رنج می‌آفریند و از سوی دیگر از همان رنج ارزش اقتصادی و سیاسی استخراج می‌شود.

اعتیاد و نیروی کار در ایران معاصر

در ایران امروز، مصرف مواد در میان کارگران فصلی، رانندگان بین‌شهری، کارگران ساختمانی، معدن‌کاران و کارگران شب‌کار صنعتی و حتی شالی‌کاران به شکل چشمگیری بالاست. برآوردها حاکی از آن است که در محیط‌های صنعتی حدود ۲۲ درصد از کارگران و در مشاغل حمل‌ونقل و فصلی بیش از ۳۰ درصد درگیر نوعی مصرف مواد هستند و براساس پژوهش‌های انجام‌شده (RSA: 1396,1386,1383,1376) انتظار می‌رود سهم طبقه فرودست در جمعیت مصرف‌کنندگان مواد هم‌اکنون از ۴۰ درصد نیز گذشته باشد.

> **برآوردها حاکی است که در محیط‌های صنعتی حدود ۲۲ درصد از کارگران و در مشاغل حمل‌ونقل و فصلی بیش از ۳۰ درصد درگیر نوعی مصرف مواد هستند و بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده انتظار می‌رود سهم طبقه فرودست در جمعیت مصرف‌کنندگان مواد هم‌اکنون از ۴۰ درصد نیز گذشته باشد**

در نواحی صنعتی مانند عسلویه، گل‌گهر، معادن کرمان و بنادر جنوبی، مواد مخدر بخشی از «فرهنگ کار» شده است. در این محیط‌ها، کارگران با دستمزد پایین، بیمه ناپایدار و ساعت‌های طولانی کار، از مواد برای ادامه حیات کاری استفاده می‌کنند. تریاک و شیشه، ابزار بقا در شرایطی هستند که بدن انسان دیگر تاب نمی‌آورد. در سطح جهانی نیز الگوی مشابهی دیده می‌شود. در معادن میانمار، کارگران برای بیداری شبانه از مت‌آمفتامین موسوم به «یابا» استفاده می‌کنند. در نیجریه، ترامادول میان کارگران کارخانه‌ها رواج دارد و در ایالات متحده بحران اوپیوئیدها میلیون‌ها کارگر و کشاورز را به مسکن‌های صنعتی وابسته کرده است. در همه این نمونه‌ها، مواد مخدر نه برای لذت بلکه برای بقا مصرف می‌شوند. به این ترتیب، اعتیاد را باید نوعی استراتژی ناگزیر بدن کارگر دانست؛ پاسخی به فشار کار، فقر و بی‌ثباتی. بدن معتاد، بدنِ استثمارشده‌ای است که می‌کوشد خود را در مدار تولید نگه دارد.

تریاک؛ امپراتوری و انباشت اولیه سرمایه

برای فهم ریشه‌های تاریخی این رابطه باید به قرن نوزدهم بازگشت؛ زمانی که بریتانیا در نتیجه واردات مستمر چای، ابریشم و چینی از چین، به نقره بیشتری برای پرداخت به بازرگانان چینی نیاز داشت. از این‌رو برای کاهش این کسری تراز تجاری، از طریق کمپانی هند شرقی، تجارت تریاک را به اهرم اصلی انباشت سرمایه بدل کرد. هند، تحت سلطه بریتانیا، خشخاش می‌کاشت و چین بازار مصرف بود. هنگامی که دولت چین برای حفظ سلامت اجتماعی تجارت تریاک را ممنوع کرد، بریتانیا با دو جنگ تریاک (۱۸۴۲ و ۱۸۶۰) بازار چین را به زور باز کرد و تراز تجاری را به سود بریتانیا بازسازی کرد.

برای نمونه، درآمد حاصل از فروش تریاک در یک سال یعنی ۱۸۵۸ بیش از ۶.۸ میلیون پوند بود؛ حدود یک‌پنجم کل درآمد دولت هندِ بریتانیا. این پول به بانک‌های لندن و هنگ‌کنگ سرازیر شد و زیرساخت‌های صنعت و بانکداری مدرن را تقویت کرد. سرازیرشدن سود تجارت تریاک به بانک‌ها، کمپانی‌ها و خزانه‌داری بریتانیا منجر به سرمایه‌گذاری در صنعت، بانکداری، بیمه و حمل‌ونقل در اروپا شد و این نیز به توسعه کشتیرانی، بیمه دریایی و بانکداری بین‌المللی انجامید. همچنین به موازات تولید بیشتر کشتی‌های بخار برای انتقال سریع‌تر تریاک از هند به چین، رشد بندرهای کلکته، بمبئی، گوانگ‌ژو و هنگ‌کنگ شتاب بیشتری گرفت.

پیدایش بسیاری از بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ هنگ‌کنگ و لندن از تجارت تریاک سرچشمه می‌گیرد. برای نمونه، بانک HSBC که امروز با بیش از سه تریلیون دلار سومین بانک بزرگ غیردولتی در جهان است، در اصل برای مدیریت مالی تجارت تریاک تأسیس شد. هدف از تأسیس این بانک، پشتیبانی مالی از تجارت بریتانیایی‌ها در شرق آسیا، به‌ویژه میان بریتانیا، هند، چین و دیگر نقاط آسیا برای صادرات تریاک از هند به چین، واردات چای، ابریشم و چینی از چین به بریتانیا، سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل، انبارداری و بیمه کالاهای قاچاق یا قانونی بود. تاریخ بانک HSBC تاریخی نوشته‌شده با خون و آتش است که انباشت اولیه سرمایه حاصل از تجارت تریاک را در قرن نوزدهم، به‌ویژه در محور بریتانیا-هند-چین به موتور پیشران برای جهانی‌سازی سرمایه‌داری اولیه بدل کرد.

درواقع تجارت تریاک در قرن نوزدهم تأثیراتی عمیق و ساختاری بر اقتصاد جهانی داشت؛ این تجارت نه‌تنها یک فعالیت سودآور، بلکه ابزاری کلیدی در بازآرایی نظام جهانی سرمایه‌داری بود و به تسریع انباشت سرمایه در اروپا انجامید. به این ترتیب، تجارت تریاک بخشی از انباشت اولیه سرمایه در اروپا بود؛ انتقال ارزش از بدن‌های معتاد آسیایی به خزانه دولت‌های استعماری. تریاک، ماده‌ای که زندگی میلیون‌ها انسان را ویران کرد، به رشد صنعت، بیمه و بانکداری اروپا نیرو بخشید.

اقتصاد سیاسی تریاک و تکوین مدرنیته ایرانی

در ایران، تریاک نقشی مشابه اما پیچیده‌تر داشت. نخستین مواجهه شاهانه با مدرنیته را می‌توان در دوره ناصرالدین شاه دید؛ زمانی که تریاک به سوخت اقتصادی پروژه نوسازی بدل شد. از میانه سلطنت ناصرالدین شاه و پس از افول صادرات پنبه و ابریشم در دهه ۱۸۶۰، دولت مرکزی برای جبران کسری درآمد به کشت خشخاش و صادرات تریاک روی آورد. این تغییر اقتصادی با توصیه میرزاحسین‌خان سپهسالار، کاردار ایران در بمبئی، صورت گرفت که پس از جنگ‌های تریاک میان چین و بریتانیا، منافع صادراتی این محصول را گوشزد کرده بود. دولت ایران نیز با الهام از آموزه‌های اقتصاد آزاد، کشت خشخاش را ترویج کرد و در دهه ۱۸۷۰، تریاک جایگزین ابریشم و پنبه در سبد صادراتی شد. تریاک در این دوران نه‌تنها کالایی صادراتی، بلکه پایه‌ای برای اصلاحات اداری و نظامی بود.

اما تولید و انباشت این سرمایه نوظهور نیازمند مراقبتی بود که ضرورت تشکیل پلیس محلی و سپس ملی را ایجاب می‌کرد. برای نمونه می‌توان به حکمرانی ظل‌السلطان که از سال ۱۸۸۳ (یعنی اوج تولید تریاک در تاریخ سلسله قاجار) حاکم اصفهان شد اشاره کرد. او در طول سال‌های بعد، حکومت ایالت‌های فارس و یزد را نیز به دست آورد. این بخش از فلات مرکزی ایران مهم‌ترین جغرافیای کشت خشخاش بودند و اصفهان، بارانداز اصلی تریاک‌های به دست آمده از این فلات بود.

بخشی از درآمد حاصل از صادرات تریاک صرف تشکیل نیروهای نظامی محلی شد. ظل‌السلطان، پسر ناصرالدین‌شاه و حاکم مقتدر اصفهان، با درآمد ناشی از تجارت تریاک، فوج‌های نظامی به سبک اروپایی تشکیل داد و از آلمان و اتریش مربی نظامی استخدام کرد. منطقه اصفهان و ایالات فارس و یزد، مراکز اصلی کشت خشخاش بودند و بندر بوشهر، به عنوان مسیر صادرات، تحت نظارت بریتانیا قرار داشت.

ادامه در صفحه ۱۰

خبر

بسیاری از کودکان بهزیستی بدسرپرست هستند و نه بی‌سرپرست

ایسنا: معاون امور سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفت: «میانگین تعداد متقاضیان فرزندخواندگی در کشور برای هر کودک واجد شرایط سرپرستی، ۲۲ زوج است. این در حالی است که در تهران این میانگین بالاتر و به حدود ۲۵ تا ۲۷ زوج می‌رسد». بر اساس اعلام حسن موسوی‌چلک، در حال حاضر ۶۶۷ مرکز نگهداری کودکان در سراسر کشور فعال است که از این میان، فقط ۳۳ مرکز دولتی و مابقی غیردولتی هستند و تلاش شده با استفاده از ظرفیت‌های قانونی، مراکز کوچک‌تر و به محیط‌های خانواده شبیه‌تر شود تا فضای نگهداری برای کودکان طبیعی‌تر باشد. در این میان، در مجموع حدود ۹ هزارو ۳۰۰ کودک زیر ۱۸ سال در این مراکز نگهداری می‌شوند. او درباره اینکه چه تعدادی از این کودکان به دلیل کار در خیابان وارد مراکز نگهداری شده‌اند، توضیح داد: «ممکن است از میان ۹ هزارو ۳۰۰ کودک در مراکز، کودکان کار و خیابان بدسرپرستی وجود داشته باشند که بر اساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان توسط اورژانس اجتماعی شناسایی شده و پس از طی مراحل قضائی به مراکز نگهداری شبانه‌روزی ارجاع داده می‌شوند». به گفته او، سالانه نزدیک به ۵۰۰ مورد رهسپاری و بازگشت به خانواده ثبت می‌شود که برای هریک، پیگیری‌های پس از رهسپاری نیز انجام می‌شود. معاون امور سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با اشاره به سیاست‌های جدید این سازمان در زمینه واگذاری کودکان به خانواده‌های واجد شرایط گفت: «در سال‌های اخیر، تلاش کرده‌ایم تا ورودی کودکان به مراکز نگهداری را کاهش دهیم و به سمت الگوهای خانواده‌محور حرکت کنیم. در همین راستا طرح «خانواده میزبان» را اجرایی کرده‌ایم که نتایج مثبتی داشته است». او در پاسخ به این پرسش که سالانه چه تعداد کودک بی‌سرپرست یا بدسرپرست وارد مراکز نگهداری می‌شوند، افزود: «تعداد ورودی‌ها و خروجی‌های سازمان تقریبا برابر است. به طور مثال در شش‌ماهه اول امسال هزار و هفت کودک پذیرش و ۹۸۰ کودک نیز ترخیص شده‌اند». او درباره وضعیت کودکان سازمان بهزیستی اعلام کرد که بسیاری از کودکانی که تحت پوشش بهزیستی قرار می‌گیرند، بدسرپرست هستند و نه بی‌سرپرست. همین امر موجب می‌شود فرایند فرزندخواندگی دشوارتر شود؛ زیرا تصمیم‌گیری نهایی در اختیار دستگاه قضائی است. با این حال، تعامل خوبی با مرجع ملی حقوق کودک و قوه قضائیه داریم تا تصمیمات بر اساس مصلحت کودک گرفته شود. در حال حاضر همه نهادهای مرتبط با موضوع کودک به یک فهم مشترک رسیده‌اند و اولویت را بر «مصلحت کودک» و «حضور در محیط خانواده» گذاشته‌اند. چه این خانواده زیستی باشد، چه خانواده جایگزین یا میزبان، مهم این است که کودک در محیطی امن و عاطفی رشد کند.

جدول ۵۱۸۵ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- درخشنده- سازی کوبه‌ای- شکستگی‌های طبقات رسوبی زمین ۲- کلاس عربی- پهنه آبی در غرب عربستان- جایز ۳- اسب تبریزی- دومین شهر پرجمعیت ایران- هستی‌یافته ۴- زیاده‌طلبی- صاحب و مالک- لقب سعدی شیرازی ۵- آواز بلند- کیسه مشک در زیر شکم آهوی ختایی- از طایفه‌های بلوچ ایران ۶- قلعه حکومتی- پوشیده و پنهان- پرورش‌دهنده ۷- گران‌ترین نخ- گازی قابل اشتعال- بدعهدی ۸- خدای ساختگی- رمانی نوشته توماس هریس که جاناتان دمی آن را به فیلم تبدیل کرد- چهره ۹- پندار- مخزن آب مسافرتی- نامزد ۱۰- لوله باریک در ساقه گیاه- پروردگار- خون‌بها ۱۱- آبشار طبقاتی دیدنی لرستان- سند- بزرگان ۱۲- ورزشگاهی مشهور در انگلستان- از سازهای بادی برنجی در ارکستر سمفونیک- شکلی هندسی ۱۳- لغت‌نامه عرب- شناگر زیر دریا- سیخونک ۱۴- بالیدن- درخواست جبران هتک حرمت- پیمودن ۱۵- بدون خطر- فراهم‌آوردن- به وسیله غدد درون‌ریز تولید می‌شود.

عمودی:

۱- مالک چیزی شدن- ساز بادی موسیقی کلاسیک غربی- غریبه نیست ۲- بهتان- نام ماندگار موسیقی آلمان- حس بویایی ۳- پول کم‌ارزش- سوره شصت‌وسوم قرآن ۴- پشیمانی- روغن صنعتی- قلزم ۵- نظامی بالاتر از نظامی دیگر- کاسه زانو- چند کلمه ۶- آسمان- سرور و آقا- محصول احتراق ناقص ۷- فهم و شعور- از قبایل صدر اسلام- تلاش ۸- چه کسی- پیش از طلوع خورشید- سودای ناله ۹- نام- نوعی اجاق برقی- قلابی و غیرواقعی ۱۰- فریاد و فغان- بخش هلالی انتهای ناخن- از علائم نگارشی ۱۱- صید و شکار- سرشت- فریب ۱۲- ناگوار- همدم- دومین ماه قمری ۱۳- پیرامون- از ابزار زراعی ۱۴- نور اندک- سرقت در اماکن شلوغ- پدر علم فلسفه ۱۵- شیشه آزمایشگاهی- قوم حضرت موسی(ع)- ملیح

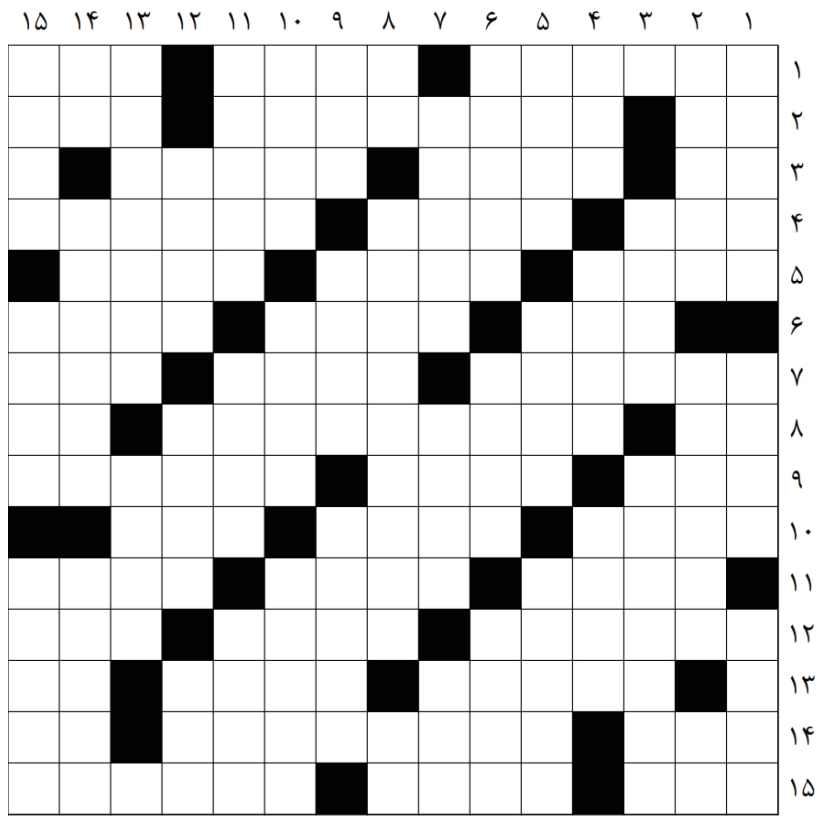

حل سودوکو ۴۱۸۰

۱	۴	۲	۸	۵	۶	۳	۷	۹
۸	۷	۵	۹	۳	۲	۶	۴	۱
۹	۶	۳	۴	۱	۷	۲	۵	۸
۴	۱	۶	۷	۲	۹	۵	۸	۳
۳	۸	۷	۵	۴	۱	۹	۲	۶
۵	۲	۹	۶	۸	۳	۴	۱	۷
۷	۵	۱	۳	۹	۴	۸	۶	۲
۲	۹	۸	۱	۶	۵	۷	۳	۴
۶	۳	۴	۲	۷	۸	۱	۹	۵

۱	۳	۹	۵	۷	۲	۴	۶	۸
۶	۴	۵	۹	۱	۸	۲	۳	۷
۸	۷	۲	۴	۶	۳	۹	۱	۵
۵	۶	۸	۲	۳	۴	۷	۹	۱
۳	۹	۴	۱	۸	۷	۵	۲	۶
۷	۲	۱	۶	۹	۵	۸	۴	۳
۹	۸	۷	۳	۲	۱	۶	۵	۴
۴	۱	۶	۷	۵	۹	۳	۸	۲
۲	۵	۳	۸	۴	۶	۱	۷	۹

حل جدول ۵۱۸۴

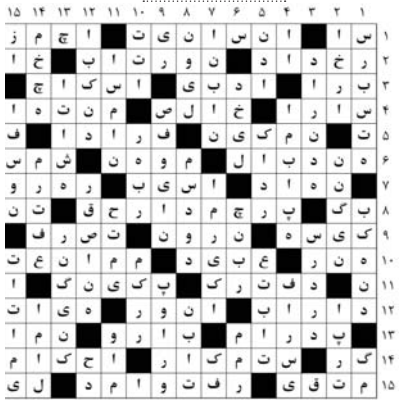

سودوکو سخت ۴۱۸۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

				۸	۲			۶
	۳	۸					۴	۵
	۴			۳		۷		
۸		۹			۷			
	۷						۵	
			۹			۴		۸
		۶		۱			۲	
۲	۹					۸	۱	
۱			۲	۷				

سودوکو ساده ۴۱۸۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۲						۶	۵	
	۷	۶			۵		۴	
۴					۸	۳		
	۲				۶			
۶	۳		۷	۹	۴		۱	۵
			۸				۳	
		۲	۵					۱
	۶		۹			۵	۸	
	۱	۹						۳